

نشانه‌شناسی عملیات انتحاری در منازعات گفتمانی عراق و چالش‌های امنیتی آن بر جمهوری اسلامی ایران

امیرمحمد حاجی یوسفی*

ابوالقاسم عارف‌نژاد**

چکیده

عملیات انتحاری که طی آن فرد از وجود خود به‌عنوان ابزاری برای کشتن دیگران استفاده می‌کند، از سال ۲۰۰۳ به بعد به شکل گسترده‌ای باعث ناامنی و قتل هزاران انسان در عراق شده است. در صحنه سیاسی عراق سه گفتمان اسلام سیاسی مردم‌سالار، اسلام‌گرایان سلفی (تکفیری) و سکولاریسم (لیبرال دموکراسی) به رقابت با یکدیگر برخاسته و هرکدام تلاش می‌کنند نشانه «عملیات انتحاری» را به نحوی معنا کرده و مورد ارزیابی و تفسیر قرار دهند

* عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی (am-yousefi@sub.ac.ir)

** عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور (Arefnejad2010@yahoo.com)

تاریخ تصویب: ۱۳۹۰/۱۲/۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۸/۱۴

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال نهم، شماره سوم، تابستان ۱۳۹۳، صص ۷۵-۱۱۰

که باعث تثبیت گفتمان آنها شود و به همین دلیل این نشانه در گفتمان‌های مذکور معانی بسیار متعارضی پیدا کرده است؛ به نحوی که درگفتمان اسلام سلفی به‌عنوان امری مقدس با عنوان «عملیات شهادت‌طلبانه» و درگفتمان اسلام سیاسی مردم‌سالار به‌مثابه دالی مشروط بین «عملیات شهادت‌طلبانه» و «عملیات انتحاری» و درگفتمان سکولاریسم به‌عنوان اقدامی غیرانسانی و «تروریستی» از آن یاد می‌شود.

مقاله حاضر میزان گسترش چنین عملیاتی در عراق را مرتبط با میزان توانایی گروه‌های سلفی در هژمونیک ساختن احساس محرومیت و عقلانی جلوه عملیات انتحاری برای مخاطبان خود می‌داند. چنانچه رقبای این گفتمان به‌ویژه اسلام سیاسی مردم‌سالار در بی‌اعتبار کردن دال‌های اسلام سلفی سهل‌انگاری کنند، نه تنها در عراق بلکه در دیگر کشورهای مجاور به‌ویژه ایران، عملیات انتحاری افزایش خواهد یافت و مانع تحقق امنیت پایدار در منطقه خواهد شد.

این مقاله با بهره‌مندی از الگوی گفتمان و با تأکید بر دیدگاه لاکلا و موفه، شناخت و تجزیه و تحلیل جریان‌های سیاسی را در چارچوب منازعات گفتمانی و در ظرف زمانی و مکانی خاص خود بررسی می‌کند.

واژگان کلیدی: گفتمان، عملیات انتحاری، عملیات شهادت‌طلبانه، اسلام سیاسی مردم‌سالار، اسلام‌گرایی سلفی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

نقطه شروع عملیات انتحاری در قرن بیستم را می‌توان اقدام خلبانان از جان‌گذشته ژاپنی^۱ در حمله به ناوهای امریکایی در زمان جنگ جهانی دوم دانست. اما دخالت انگیزه‌های مذهبی در توجه به این روش مبارزه را می‌توان از زمان عملیات شهادت‌طلبانه حزب‌الله لبنان در ۱۸ آوریل ۱۹۸۳ در حمله به سفارتخانه امریکا در بیروت و به هلاکت رساندن ۶۳ نفر امریکایی مشاهده کرد. در ۲۳ اکتبر همان سال مقر نیروی دریایی امریکا در بیروت، هدف قرار گرفت و ۲۴۱ امریکایی به هلاکت رسیدند و در ۴ نوامبر همان سال حزب‌الله به یکی از مقرهای نیروهای اسرائیلی در طرابلس حمله کرد و ۵۰ اسرائیلی را به هلاکت رساند. چنین عملیاتی در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ با حمله القاعده به برج‌های دوقلو در امریکا به اوج خود رسید و در جریان آن ۳۰۳۷ نفر کشته شدند (Pape, 2003: 358-360).

با اشغال عراق توسط نیروهای امریکایی در سال ۲۰۰۳ حملات انتحاری به نیروهای امریکایی محدود نشد، بلکه از آن زمان تاکنون هزاران نفر از مسلمانان عراقی اعم از شیعه و سنی و نظامی و غیرنظامی در اماکن عمومی و مذهبی با عملیات انتحاری اسلام‌گرایان سلفی به شهادت رسیده‌اند.

تحولات سیاسی - اجتماعی جامعه عراق در طول دهه گذشته و گذار از نظام استبدادی به سمت مردم‌سالاری، زمینه رقابت تنگاتنگ گفتمان‌های مختلف را فراهم کرده است. اینکه چه عواملی باعث اقناع عاملان انتحاری در کشتن هم‌دینان خود شده است در گرو بررسی استلزامات معنایی «عملیات انتحاری» و «عملیات

استشهادی» در گفتمان‌های رقیب در عراق است. گفتمان اسلام سیاسی سلفی (تکفیری) که خود را سمبل اسلام راستین و تنها عامل تمییز حق از باطل می‌داند، هر امری که منجر به حذف رقیب از صحنه شود را بر خود واجب دانسته است و خواست اکثریت جامعه، هیچ جایگاهی در مفصل‌بندی این گفتمان ندارد. از منظر این گفتمان، کشتن مخالفان اعم از مسلمان و غیرمسلمان ولو به قیمت از دست دادن جان خود، معنایی مقدس پیدا کرده است که باعث افزایش منازعات فرقه‌گرایانه، تروریسم و ناامنی در عراق شده است.

گفتمان اسلام سیاسی مردم‌سالار با محور قرار دادن اسلام و اراده اکثریت به‌عنوان دال برتر خود، اهمیت خاصی برای حفظ آرامش، ثبات و امنیت جامعه قائل است و توسل به «عملیات شهادت‌طلبانه» را در شرایط اختیاری مبارزه با رقیب حتی در رفع سلطه خارجی، مجاز نمی‌داند، اگرچه چنین اقدامی را در شرایط اضطراری و با رعایت جوانب مختلف، به‌کلی نفی نکرده است.

گفتمان سکولاریسم که دال‌های مذهبی را فاقد معنا می‌داند، هرگونه عملیات انتحاری را امری غیرعقلانی می‌داند. این گفتمان با گرایش به لیبرال دموکراسی در تلاش بوده است حمایت اشغالگران سابق غربی و به‌ویژه امریکا را کسب کرده و به هژمونی دست پیدا کند.

نکته دیگری که پژوهش حاضر را بااهمیت ساخته است، تأثیرات گفتمان‌های رقیب در ایجاد ثبات و یا ناامنی در عراق و ایران است؛ دو کشوری که با توجه به مشابهت‌های مذهبی و اجتماعی، مشترکات فراوانی در حوزه رقابت‌های گفتمانی با یکدیگر دارند. با توجه به قرار داشتن نشانه «عملیات انتحاری» در حوزه گفتمان‌گونگی، نحوه به‌تثبیت رساندن معنای آن در گفتمان‌های رقیب، تأثیر غیرقابل انکاری در ثبات و وضعیت امنیتی این کشور دارد که به‌دلیل مشابهت بافت اجتماعی - مذهبی ایران با عراق، به‌نوبه خود بر امنیت جمهوری اسلامی ایران نیز تأثیرگذار خواهد بود.

۱. مبانی مفهومی

الگوی گفتمان، اسلام سیاسی و اسلام‌گرایی از واژگانی است که به‌کارگیری آن در

حوزه مباحث سیاسی اسلامی موافقان و مخالفانی دارد و مخالفان این حوزه، چنین امری را متأثر از اندیشه‌های فرامدرنیته، گرایش‌های لیبرالی و دیدگاه‌های خصمانه غرب نسبت به جهان اسلام تلقی می‌کنند (طیّبی، ۱۳۸۹).

مقاله حاضر اعتقاد دارد که مدلول واژه‌ها با مفصل‌بندی چندجانبه دال‌ها مشخص می‌شود و سه واژه اساسی این مقاله نیز مشمول این امر است. علمای شیعی اصولی به‌ویژه امام خمینی (ره) ضمن اذعان به ثبات حقایق، بر نقش غیرقابل‌انکار زمان و مکان در تعیین مدلول و مصداق واژه‌ها تأکید می‌ورزد و در این محدوده نیز الگوی گفتمان دارای کارایی است. در مخالفت با به‌کارگیری واژه اسلام سیاسی گفته شده است که اسلام ذاتاً سیاسی است و توصیف اسلام با واژه «سیاسی»، القاء‌کننده غیرسیاسی بودن اسلام می‌شود. با مروری بر گرایش‌های جهان اسلام مشخص می‌شود که فرقه‌ها و گرایش‌های کاملاً متناقضی حتی در مذهب واحدی در حوزه مباحث سیاسی مشاهده می‌شود و بسیاری از این گروه‌ها با قاطعیت خاصی، منحصراً دیدگاه‌های خود را اسلام واقعی دانسته و به تکفیر دیگران می‌پردازند و پذیرش چنین مبنایی مانع گفتگو و مباحثه علمی می‌شود، ضمن اینکه مقاله حاضر، «اسلام سیاسی» را با قید «مردم‌سالار» مشخص می‌سازد؛ رویکردی که با محور دانستن اسلام، به‌دنبال همراه ساختن نظر اکثریت در تبعیت از مفاهیم دین اسلام است. با رویکردهای مختلفی به واژه «اسلام‌گرایی» نگریسته شده است و این مقاله با آوردن قید «سلفی» درصدد تبیین اندیشه و عملکرد افرادی است که در تعریف خود از این لفظ استفاده کرده و چنین قیدی را فصل‌میزه خود از دیگران می‌دانند.

۲. پیشینه مقاله

با گسترش فزاینده عملیات انتحاری از سال ۱۹۸۰ به بعد و به‌ویژه پس از اشغال عراق در سال ۲۰۰۳، تحقیقات متعددی درباره عملیات انتحاری انجام شده است. *مارتا کرنشاو* با بررسی سیزده کتابی که در طول سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷ درباره عملیات انتحاری نوشته شده است می‌گوید، تعاریف و تبیین‌های نویسندگان مختلف از عملیات انتحاری دقیق نیست و به‌تبع آن و دیگر بی‌دقتی‌ها، نتیجه‌گیری‌ها و جمع‌بندی‌های این حوزه نیز دقیق و صحیح نمی‌باشد. (Crenshaw, 2007: 133)

162). یکی از جدیدترین پژوهش‌ها در این زمینه توسط آدام لانکفورد،^۱ متخصص امور جزائی انجام شده است که با بررسی ۷۵ نمونه «عملیات انتحاری فردی»، ابعاد روحی - روانی فرد اقدام‌کننده را مورد تأکید قرار می‌دهد و به عواملی از قبیل افسردگی، تمایلات مجرمانه، احساس شرمندگی و ناامیدی اشاره می‌کند (Lankford, 2010: 334-340).

با توجه به روند صعودی عملیات انتحاری طالبان در افغانستان از جمله در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ از ۲۷ مورد به ۱۳۹ مورد، یوسف یادگاری، آسیب‌شناس افغانی که ۱۱۰ مورد عملیات انتحاری تا سال ۲۰۰۷ در افغانستان را مورد مطالعه قرار داده است، شرایط نابسامان جسمی را عامل مهمی در گرایش به این نوع عملیات دانسته و می‌گوید: ۸۰ درصد عاملان این عملیات را افرادی تشکیل داده‌اند که بعضی از اعضای خود را از دست داده بودند و یا از سرطان، جذام و دیگر بیماری‌ها رنج می‌برده‌اند (Yadgari, 2011).

اسکات آتران^۲ با نگاهی انسان‌شناسانه، عملیات انتحاری را موضوعی گروهی می‌داند و می‌گوید که چنین مواردی عمدتاً زمانی شکل می‌گیرد که فردی به تبعیت از دوستانش در گروه‌های انتحاری جذب شود و تفکر گروه را بپذیرد. وی معتقد است، انگیزه‌های مذهبی نقش عمده‌ای در این زمینه بازی می‌کند و عاملان انتحاری کار خود را امری مقدس و اخلاقی می‌دانند (Atran, 2006: 130)؛ زمانی که فرد به این استنباط برسد که به اخلاقیات و ارزش‌های مذهبی‌اش توهین شده است، به سمت عملیات انتحاری می‌رود. آتران رفتار خصمانه و توهین‌آمیز دولت امریکا پیش از تهاجم به عراق را عاملی برای هجوم مسلمانان خشمگین برای پیوستن به القاعده در حدود ۴۰ کشور جهان می‌داند (Atran, 2004: 74).

لاری تامپسن^۳ ضمن توجه به تأثیر گروه بر فرد، بر شرایط اقتصادی عاملان انتحاری تأکید ورزیده و می‌گوید، شرایط اجتماعی - اقتصادی زندگی در اردوگاه‌های آوارگان باعث شده است که این اماکن تبدیل به یکی از مهم‌ترین مراکز

-
1. Adam Lankford
 2. Scott Atran
 3. Larry Thompson

جذب افراد به القاعده شود (Thompson, 2001).

آلبرتو آبادی^۱، استاد دانشگاه هاروارد از اینکه فقر عامل روی آوردن به این نوع عملیات باشد، ابراز تردید کرده و تمایلات آزادی‌خواهانه در سطح ملی را عامل اصلی آن می‌داند و از نظر وی در کشورهایی که تمایلات شدید گذار به آزادی‌های دموکراتیک اوج می‌گیرد، عملیات انتحاری در آنها نیز فزونی می‌گیرد؛ در این کشورها در مرحله گذار، سطوحی از آزادی‌های دموکراتیک تجربه شده است و زمانی که حکومت‌ها ضعیف باشند و بی‌ثباتی سیاسی افزایش یابد، شرایط ظهور فزاینده عملیات انتحاری فراهم می‌شود (Abadie, 2004).

از معروف‌ترین پژوهش‌های این حوزه، تحقیقات رابرت / پیپ^۲ است؛ وی در سال ۲۰۰۳ در مقاله «منطق استراتژیک تروریسم انتحاری» (Pape, 2003: 343-361) فهرستی از ۱۸۷ مورد از عملیات انتحاری در طول سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۱ را آورده و سپس در سال ۲۰۰۵ در کتاب «مردن به‌خاطر برنده شدن» (Pape, 2005)، به ۳۱۵ مورد از حملات انتحاری طی سال ۱۹۸۰ تا دسامبر ۲۰۰۳ اشاره می‌کند و در همین سال مقاله «چرا بمب‌گذاران این قدر نسبت به ما خشن هستند» (Pape, 23 July 2005) را می‌نویسد.

او در مقاله اول توجه به تبیین‌های مختلف را ضروری می‌داند و اظهار می‌دارد که تنها دلایل مذهبی نمی‌تواند توضیح‌دهنده عملیات انتحاری باشد، زیرا گروه‌های تامیل در سریلانکا گروهی مارکسیستی بوده و اعتقادی به مذهب ندارند و در سال‌های ۱۹۹۵ تا سال ۲۰۰۰ با انجام ۵۴ مورد عملیات انتحاری گوی سبقت را از دیگران ربوده‌اند (Pape, 2006: 352). وی عملیات انتحاری را اقدامی «استراتژیک» می‌داند، زیرا بیشتر مهاجمان انتحاری، افرادی متعصب و از لحاظ روانی، گوشه‌نشین و پرخاشگر نیستند، بلکه عمدتاً به گروه‌های سازمان‌یافته‌ای تعلق دارند که در جستجوی هدف سیاسی ویژه‌ای هستند. از نظر وی عوامل اصلی توسل به عملیات انتحاری، بیش از آنکه زائیده بنیادگرایی اسلامی باشد، ناشی از مبارزه با اشغالگران و ناسیونالیسم است و مردم مناطق اشغالی، خواهان تحقق خودمختاری سیاسی و حکومت آزاد می‌باشند (Pape, 2005: 338).

1. Alberto Abadie
2. Robert. A. Pape

پیپ در کتاب «مردن به خاطر برنده شدن»^۱ در اندیشه خود تجدیدنظر کرده و در این کتاب بین عامل مذهب و ناسیونالیسم تلفیق می‌کند و می‌گوید، نه صرف مذهب بلکه تفاوت مذهبی بین اشغالگر و ساکنان مناطق اشغالی باعث روی آوردن به عملیات انتحاری می‌شود (Pape, 2005: 22). عامل اصلی روی آوردن به چنین عملیاتی ناسیونالیسم است ولی تفاوت مذهبی باعث شعله‌ور شدن این تمایل می‌شود... (Pape, 2005: 79-80, 88-92) و القاعده بیش از اینکه تغییر مذهب کفار به اسلام را مدنظر داشته باشد، خواهان اخراج غربی‌ها از سرزمین‌های عربی - اسلامی است (Pape, 23 July 2005). پیپ در کتاب مذکور، به این نتیجه می‌رسد که عملیات انتحاری در مقابل حکومت‌های دموکراتیک صف‌آرایی کرده‌اند و در وادار ساختن دموکراسی‌ها به ترک اشغالگری نیز موفق بوده‌اند (Pape, Dying to Win, 2005: 4-38).

انتقادات متعددی بر سخنان پیپ وارد شده است. از جمله کرنشاو می‌گوید، تجزیه و تحلیل وی با مفروض گرفتن ویژگی گروهی عملیات انتحاری بنا شده است و عملیات انتحاری فردی را موشکافی نکرده است (Crenshaw, 2007: 141). اسکات آتران از اینکه دموکراسی‌ها هدف عمده حملات انتحاری باشند از پیپ انتقاد کرده است. وی در انتقادی دیگر می‌گوید، طی سال ۲۰۰۳ گروه‌های غیراسلامی ملی‌گرا تنها چند مورد دست به عملیات انتحاری زده‌اند، حال آنکه گروه‌های اسلامی براساس ایدئولوژی جهانی شهادت، رشد بسیار فزاینده‌ای داشته‌اند و مذهب عامل اصلی در عملیات انتحاری سلفی‌ها بوده است؛ زیرا سلفی‌ها در سال ۲۰۰۴ در غیر از سرزمین اصلی خود و در کشورهای متعددی مانند مراکش و اسپانیا دست به عملیات انتحاری زده‌اند و فقط در سال ۲۰۰۴ حدود ۴۰۰ عملیات انتحاری در عراق اجرا کرده‌اند؛ بنابراین ناسیونالیسم نمی‌تواند عامل این‌گونه اقدامات تلقی شود.

از دیگر منتقدان پیپ، آمی پداهزور^۲ و آری پرلیگر^۳ هستند که می‌گویند یک‌سوم حملات انتحاری از ۱۹۸۲ تا ژوئن ۲۰۰۵ علیه رژیم‌های غیردموکراتیک بوده است (Pedahzur and Perliger, 2006: 1-12). پداهزور اعتقاد دارد که اکثر حملاتی که با عنوان

1. Dying to Win
2. Ami Pedahzur
3. Arie Perliger

جهاد توسط القاعده انجام شده است در داخل کشور علیه حکومت محلی و برای تغییر سیستم حکومتی همان کشور بوده است (Pedahzur, 2005: 109).

اسلام‌گرایانی که به بررسی عملیات انتحاری پرداخته‌اند عمدتاً این امر را برخلاف اصول کلی دین اسلام می‌دانند؛ اکثر علمای مسلمان براساس پرهیز از به‌خطر انداختن جان خود و دیگران، قائل به ممنوع بودن عملیات انتحاری می‌باشند و به مواردی از قبیل آیه شریفه «و لا تعلقوا بایدیکم الی التهلكه»^(۱) استناد می‌کنند. اما بعضی دیگر نیز با ارجاع به وقایع صدر اسلام و با استناد به آیات و روایات در ضمن مباحث «امر به معروف و نهی از منکر» و «جهاد»، قائل به تفصیل بین «عملیات شهادت‌طلبانه» با «خودکشی» و «عملیات نظامی انتحاری» شده‌اند و تلاش کرده‌اند تا با تفکیک استلزامات فقهی عملیات شهادت‌طلبانه از عملیات انتحاری، بر اثبات جواز اولی و ممنوعیت دومی استدلال‌های خود را ارائه کنند. از جمله این مقالات، مقاله/میر ملا محمدعلی با عنوان «مشروعیت عملیات استشهادی از دیدگاه فقه‌های معاصر شیعه و اهل سنت» است. در این مقاله در تعریف عملیات استشهادی آورده شده است: «عملیات استشهادی با توجه به اهمیت حفظ نفس زمانی انجام می‌شود که با دیگر ابزار دفاعی متعارف دفع تجاوز ممکن نباشد. اطلاق آیات و روایات جهاد دفاعی و ترجیح دفاع بر حفظ نفس، دلیل جواز این نوع عملیات است. عملیات استشهادی ملاک جهاد و دفاع را دارد و با انتحار و اعمال انتحاری علیه انسان‌های بی‌گناه، یا به‌عبارت دیگر خودکشی، بدون جهت شرعی متفاوت است. لذا ادله حرمت قتل نفس منصرف از آن است» (امیر ملا محمدعلی، ۱۳۸۴). این مقاله اگرچه تلاش کرده است تا مشروعیت عملیات استشهادی را ثابت کند ولی یکسان دانستن خودکشی با اعمال انتحاری و مشخص نکردن جایگاه قربانیان بی‌گناه در چنین اقداماتی، باعث ابهام در تعریف بالا می‌باشد، به‌علاوه اینکه معیار مشخصی را برای تعیین گناهکار بودن نوزادان مستحق کشته شدن در عملیات شهادت‌طلبانه ارائه نمی‌دهد و نهایتاً اینکه عدم جامعیت و مانعیت این تعریف قادر به غیریت‌سازی با استدلال‌های اسلام‌گرایان سلفی نیست. سیدجواد ورعی در مقاله خود با عنوان «مبانی فقهی عملیات شهادت‌طلبانه» در تعریف این عملیات می‌گوید: «عملیات شهادت‌طلبانه» به اقدامی اطلاق می‌شود که شخصی با قصد قربت و با

علم به شهادت و با هدف ضربه زدن به دشمن، به انجام آن مبادرت می‌ورزد و در این بین کشته شود» (ورعی، ۱۳۹۰). براساس این تعریف، تمام اقدامات انتحاری سلفی‌ها مشمول عملیات شهادت‌طلبانه قرار می‌گیرد و فصل ممیزه‌ای برای غیریت‌سازی با مبانی فکری این گروه قابل مشاهده نیست.

۳. الگوی تحلیل گفتمان و عملیات انتحاری

تعیین مدل‌ول نشانه عملیات انتحاری و غیریت‌سازی آن با عملیات شهادت‌طلبانه امری بسیار پیچیده و دشوار است و به همین دلیل شاهد ارائه معیارهای مختلفی در این زمینه می‌باشیم. از آنجا که در فرهنگ اسلامی عملیات انتحاری بار منفی و عملیات استشهادی بار مثبت دارد، طرفداران هر گفتمانی تلاش کرده‌اند تا اقدامات حریف در این زمینه را امری بی‌ارزش دانسته و با واژه انتحاری آن را توصیف کنند ولی اقدامات طرفداران گفتمان خودی را به شهادت‌طلبی تعبیر کنند. آنچه می‌تواند وجه مشترک عملیات انتحاری با عملیات شهادت‌طلبانه باشد این است که عامل اقدام‌کننده خواهان به قتل رساندن حداکثر ممکن از جامعه مخالف است (Pape, 2003: 346) و در عین حال به دنبال ایجاد جو وحشت در آن جامعه است. اگرچه مذهب می‌تواند باعث افزایش مشارکت افراد در چنین عملیاتی شود، ولی شرط ضروری این امر نیست (Weinberg, 108-21).

ویژگی‌های عاملان عملیات انتحاری و عملیات استشهادی در موارد فراوانی مشترک هستند، از نظر بعضی از محققان، تمایل به کشته شدن عنصر اساسی عملیات انتحاری است؛ زیرا عامل انتحاری بدون اینکه فریب داده شده باشد با آگاهی کامل اقدامی را انجام می‌دهد که احتمال زنده ماندنش نزدیک به صفر است (Shay, 2004)، عاملان انتحاری را بیشتر جوانان تشکیل می‌دهند و اکثر این افراد بین سنین ۱۷ تا ۴۳ سال می‌باشند. اگرچه جنسیت نقش اساسی در این موضوع ندارد ولی ویکتور^۱ اعتقاد دارد زنان فلسطینی که به این امر روی آورده‌اند بیشتر کسانی بوده‌اند که تحت فشارهای اجتماعی قرار داشته‌اند. (Victor, 2003).

از دیگر مشترکات عملیات شهادت‌طلبانه و عملیات انتحاری، حمایت دولتی

1. Victor

(اعم از دولت داخلی و یا دولت خارجی) از فرد قبل و از خانواده آنها بعد از اجرای این‌گونه اقدامات بوده است و به اعتقاد بعضی از محققان می‌تواند در روی آوردن حماس و حزب‌الله لبنان به این‌گونه عملیات نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد (Shay, 141-87).

از آنجا که غیریت‌سازی گفتمان‌ها مستلزم تحلیل روند تثبیت و هژمونیک شدن هر گفتمانی با توجه به عناصر^۱ و وقته‌ها^۲ در مفصل‌بندی آن گفتمان است، لازم است مهم‌ترین دال‌های مشترک در توسل به عملیات انتحاری و شهادت‌طلبانه در دو گفتمان اسلام سیاسی مردم‌سالار با گفتمان اسلام سلفی مورد بررسی قرار گیرد.

۴. احساس محرومیت دال بر تر عملیات انتحاری

اگرچه محرومیت در تصمیم‌گیری انسان نقش مهمی دارد، ولی احساس محرومیت از خود محرومیت تأثیرگذارتر بوده که امری نسبی است. چنین احساسی نقش تعیین‌کننده‌ای در نحوه تصمیم‌گیری و رفتار انسان‌ها در موقعیت‌های مختلف دارد. بنابراین اگر فردی از امکانات معیشتی و اجتماعی مطلوب بهره‌مند نباشد ولی خود احساس محرومیت نکند، نوع تصمیم‌گیری‌اش متفاوت از زمانی خواهد بود که در شرایط به‌مراتب بهتری قرار داشته باشد ولی حس محرومیت بر او غلبه و سیطره پیدا کرده باشد.

یکی از مهم‌ترین ابزارها در منازعات گفتمانی تلاش برای القای حس محرومیت در طرفداران گفتمان رقیب است تا از این طریق بتواند باعث بی‌قراری و بی‌اعتباری آن گفتمان شود. در این جریان هرکدام از طرفین منازعه درصدد برمی‌آیند که زندگی در شرایط مورد نظر گفتمان رقیب را محرومیت معنا کنند و مخاطبان خود را قانع کنند که چنان وضعیتی برای آنان کمترین نفع را داشته و غیرقابل تحمل است. هرکدام از گفتمان‌ها که به اقناع مخاطبان در وجود چنین احساس محرومیتی موفق شوند، قادر خواهند بود که مخاطبان خود را در انتخاب مسیری که منفعت بیشتری برایشان داشته باشد قانع سازند، که این استراتژی

1. Elements
2. Moments

مهم‌ترین عامل در راضی کردن مخاطبان به انجام عملیات انتحاری است. ضعیف بودن در برابر حریف اعم از نظامی و غیرنظامی نقش اساسی در ایجاد حس محرومیت دارد و می‌تواند منجر به ناامیدی از ادامه رقابت و کسب پیروزی شود. از جمله این موارد زمانی است که طرفداران یک گفتمان در اقلیت بوده و به دلیل فقدان حکومتی دموکراتیک در تقسیم عادلانه شرایط سودمند و اعمال تبعیض‌های اجتماعی - سیاسی یا به دلیل زیاده‌خواهی گروه اقلیت در به دست آوردن سهم مورد نظر، خود را قادر به کسب چنین شرایطی نداند.

از دیگر موارد زمانی است که به‌رغم برتری تعداد طرفداران یک گفتمان، حکومتی استبدادی حاضر به سهم کردن دیگران در قدرت و دیگر حوزه‌های سودمندی نباشد و با غلبه یافتن احساس محرومیت بر فرد، خود را بازنده کامل دانسته و محروم از هر امتیازی بداند و در این صورت هیچ عامل بازدارنده‌ای وجود ندارد که مانع توسل وی به عملیات انتقام‌جویانه انتحاری یا استشهادی شود.

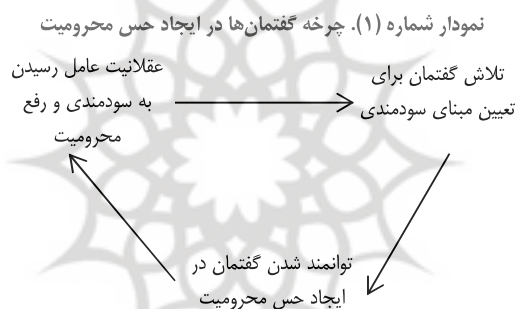
ضعف در صحنه رقابت نظامی اعم از جنگ داخلی و یا تهاجم قدرت خارجی برتر و اشغالگری، از دیگر مواردی است که منجر به احساس محرومیت می‌شود. در این زمان تبلیغات قوم‌گرایانه و ملی‌گرایانه می‌تواند در هژمونیک شدن حس محرومیت بسیار مهم باشد.

احساس ناتوانی در رقابت فکری و مذهبی، عاملی اساسی در بروز جنگ‌های مذهبی است و در چنین شرایطی مذهب‌گرایان با انگیزه‌های متعددی به عملیات انتحاری از قبیل وادار کردن مخالفان به ترک آیین و یا تبلیغات مذهبی، وادار ساختن پیروان دیگر ادیان یا فرقه‌ها به پذیرش آیین عاملان انتحاری برای مصونیت از حملات آنان و مرعوب ساختن هم‌کیشان از ارتداد متوسل شده‌اند.

۵. سودمندی و عقلانیت

زیربنای تمام اعمال انسان، عقلانیت و رسیدن به منفعت بیشتر است؛ ولی اینکه منفعت چیست نه تنها برای انسان‌ها متفاوت است، بلکه چه‌بسا ممکن است تعریف هر فردی از منفعت در شرایط مختلف، تغییر کند و اعمال و اهداف سودمند و مفید خود را بعد از مدتی اعمال و اهدافی بی‌فایده و یا مضر تشخیص دهد.

توفیق گفتمان‌ها در ایجاد احساس محرومیت، خود معلول توانایی آنها در قبولاندن مبنای سودمندی است تا مخاطبان براساس معیارهای معرفی‌شده، به محاسبه سود و ضرر بپردازند. شناور شدن معیار سود باعث می‌شود که برای هر مخاطبی بالاترین سود در مصادیق خاصی معنا شود؛ از قبیل تأمین نیازهای مادی اعضای تحت تکفل توسط حامیان عملیات انتحاری، خروج از بحرانهای روحی ناشی از نحوه برخورد صاحبان قدرت اعم از دیکتاتورهای داخلی و اشغالگران خارجی، تأثیر تبلیغات ناسیونالیستی مبنی بر جاویدان ساختن نام و مشهور شدن در جامعه و در تاریخ، تبیین وضع موجود از دیدگاه مذهبی، بدین‌گونه که تحمل وضعیت فعلی باعث بی‌دین شدن وی و محرومیت از امتیازات مذهبی شده و تنها راه نیل به سعادت و کسب مقامات معنوی انجام عملیات انتحاری دانسته شود.



از آنجا که سود و عقلانیت رابطه لازم و ملزوم با یکدیگر دارند، شناور شدن معیار سود منجر به شناور شدن معیار عقلانیت می‌شود و رفتارهای عقلانی گروهی خاص از منظر دیگران امری غیرعقلانی محسوب شود.

نکته‌ای که نباید از نظر دور داشت این است که پذیرش معیار سود و عقلانیت تنها در گرو نحوه عملکرد سوژه‌ها و رهبران هر گفتمان نیست، بلکه ویژگی‌های شخصیتی افراد در پذیرش این معیارها نقش بسیار زیادی دارد و توجه به هرم ابراهام مازلو^۱ در ترسیم سلسله‌مراتب نیازهای انسان، تا حد زیادی می‌تواند تبیین جایگاه منفعت، عقلانیت و احساس محرومیت در نزد عاملان انتحاری ما را در فهم

جهان معنایی آنان یاری رساند.

نمودار شماره (۲). هرم سلسله مراتب نیازهای انسان



بر اساس منطق این هرم می توان گفت، برای عده ای تغییر شرایط معیشتی مهم ترین اولویت است، همچنان که رفتارهای تحقیرآمیز دیگران می تواند عامل بحرانی شدن وضعیت روحی - روانی عده دیگری به شمار آید و به همین منوال نیز برای افرادی که دارای روحیه ای آرمان گرایانه باشند، رسیدن به آرمان های ارزشی مهم ترین معیار در تعیین انتخاب عقلانی ترین گزینه محسوب شود و طبیعتاً برای چنین افرادی صرف منافع مادی نمی تواند عاملی تعیین کننده در انتخاب مسیر زندگی تلقی شود. البته اگر فرد شواهدی دال بر محرومیت خود در تمامی زمینه های یادشده احساس کند ناامیدی وی در هر حوزه می تواند به یکدیگر اضافه شده و او را در ضرورت توسل به عملیات انتحاری زودتر به نتیجه برساند.

بنابراین اگر رهبران هر گفتمانی بتوانند با توجه به ویژگی های فردی - اجتماعی مخاطبان، آنان را متقاعد سازند که شرایط حاضر هیچ سودی برای آنان ندارد و منفعت آنها در گرو دست زدن به عملیات انتحاری یا استشهادی است، عقلانیت این افراد اقتضا خواهد کرد که تنها گزینه پیش رو که همان اجرای عملیات است را با آغوش باز پذیرا شوند.

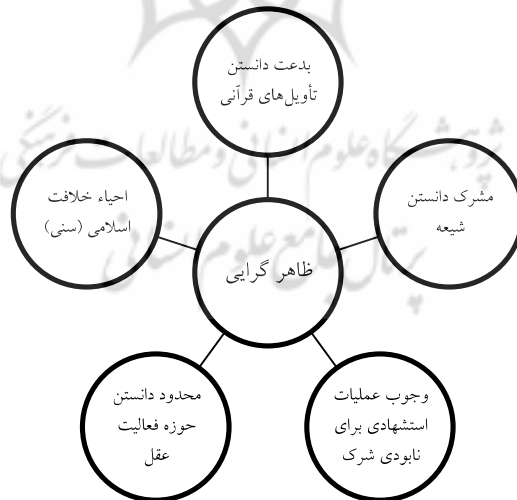
۶. گفتمان اسلام گرایی سلفی

خاستگاه اسلام گرایی سلفی، عربستان سعودی بوده و دال های این گفتمان توسط

شیوخ فرقه وهابیت مفصل‌بندی شده است و توانسته‌اند این گفتمان را در مناطق متعددی از جمله بخش‌هایی از پاکستان، افغانستان و عراق هژمونیک سازند. نماینده گفتمان اسلام‌گرایی سلفی در افغانستان و پاکستان، گروه طالبان و القاعده و در عراق القاعده با محوریت گروه توحید و جهاد است.^(۳) نظام فکری طالبان افغانستان، آمیزه‌ای از رویکرد قوم‌گرایانه و نژادپرستانه پشتونی همراه با تمایلات ظاهرگرایانه حنبلی است که همین امر باعث نزدیکی سنی‌های حنفی‌مذهب «جمعیت‌العلمای پاکستان» و «سپاه صحابه» به وهابیون حنبلی‌مذهب شده است. اما به دلیل اینکه رهبران القاعده در عراق را عمدتاً افرادی غیرعراقی تشکیل می‌دهند، قوم‌گرایی و ناسیونالیسم نقش چندانی در گروه مذکور ندارد.

اسلام‌گرایان سلفی، تنها حوزه فرمانروایی عقل را فهم مدلولات ظاهری آیات و روایات دانسته و قائل به نقش‌آفرینی عقل در بررسی شرایط جدید زمانی و مکانی نیستند. از این‌رو رویکرد عقل‌گرایانه تشیع را تحریف دین تلقی کرده و با شیعیان به شدت دشمنی می‌ورزند و جنگ با آنان و غارت اموالشان را واجب می‌دانند و از منظر این گروه، جهاد به معنی قتل عام شیعیان حتی با توسل به عملیات انتحاری است (عارفی، ۱۳۷۸: ۲۱۲-۲۰۵).

نمودار شماره (۳). مفصل‌بندی دال‌های گفتمان اسلام‌گرایی سلفی وهابی



۷. غیریت‌سازی گفتمان اهل سنت با گفتمان وهابیت

کثر قریب به اتفاق علمای اهل سنت با انجام عملیات انتحاری مخالف هستند (Musaji, 2011) و در اعلامیه‌های متعددی این اقدامات را اعمالی تروریستی دانسته و آن را به شدت محکوم کرده‌اند (Kurzman, 2011) و حتی افرادی مانند شیخ یوسف قرضاوی که اقدامات نظامی گروه‌های مبارز فلسطینی را عملی شهادت‌طلبانه دانسته و مورد تأیید قرار داده است، حمله القاعده به برج‌های دوقلو در سپتامبر ۲۰۰۱ را محکوم کرد. به‌رغم وجود اختلافات کلامی و فقهی علمای اهل سنت با علمای شیعه، رابطه قریب به اتفاق علمای اهل سنت با جهان تشیع مسالمت‌آمیز است و قائل به تکفیر یکدیگر نیستند.

۸. عراق و تشدید منازعات گفتمانی

شکاف‌های قومی - فرقه‌ای عراق، نقش تعیین‌کننده‌ای در بروز و تداوم بحران هویت و مشروعیت سیاسی در این کشور داشته است. رژیم صدام که پس از سرکوب انتفاضه شعبانیه در سال ۱۹۹۱ به شدت مورد نفرت شیعیان قرار گرفته بود درصدد جذب گروه‌های سلفی برآمد و از آنجاکه گروه‌های طرفدار القاعده در عراق تلاش می‌کردند از هر فرصتی برای تثبیت گفتمان اسلام سلفی استفاده کنند، با غیریت‌سازی با شیعیان از یک‌سو و نیروهای هم‌پیمان امریکا از سوی دیگر به مفصل‌بندی دال‌های گفتمان خود پرداختند. وهابی‌ها و سران سنی سلفی‌مذهب عراق از جمله شیخ حارث الضاری، احمد الکبیسسی، مهدی الصمیدعی، عبدالرزاق الهیتی و محمد بشار الفیضی برای تضعیف موقعیت شیعیان، خود را به حکومت صدام نزدیک‌تر کردند و دولت عراق از سال ۱۹۹۲ و پس از شکست در جنگ کویت به تدریج برای مقابله با قیام شیعیان جنوب و فرات مرکزی اختیارات وسیعی به آنان داد و سرپرستی تشکیلات سلفی‌ها را به‌عهده عزت ابراهیم‌الدوری، جانشین شورای فرماندهی حزب بعث قرار داد.

شبکه مرکزی القاعده به رهبری اسامه بن‌لادن و ایمن‌الظواهری و گروه تروریستی احمد فاضل نزال الخلایله، معروف به ابومصعب الزرقاوی (۳۰ اکتبر ۱۹۶۶ - ۷ ژوئن ۲۰۰۶)، عملیات جهادی را با دال‌های متفاوتی مفصل‌بندی کردند.

زرقاوی که پس از آزادی از زندان در اردن در سال ۱۹۹۹، به افغانستان رفته بود، کمپ آموزشی تروریستی خود را برقرار کرد و به بن‌لادن ملحق نشد. از آنجا که بن‌لادن امریکا را حامی حکومت‌های عرب در سرمایه‌گذاری، اعطای مشروعیت، فروش تسلیحات و نیز منبع ارتداد سیاسی می‌دانست، ترجیح می‌داد که حمله به منافع امریکا در اولویت قرار گیرد؛ ولی زرقاوی بر نفوذهای سیاسی و فرهنگی ارتداد در جهان اسلام تأکید داشت و مبارزه با شیعیان را در اولویت می‌دانست و به این دلیل دچار اختلاف شدند (غلامی، ۱۳۹۰).

با حمله گسترده ارتش امریکا به کوه‌های تورا بورا در سال ۲۰۰۱ القاعده به دو قسمت تقسیم شد. بخش نخست که شامل رهبران اصلی و شناخته‌شده القاعده می‌شد ترجیح دادند در مناطق قبیله‌ای نشین، کوهستانی و صعب‌العبور مرزی افغانستان و پاکستان باقی بمانند. اما بخش دوم که رهبران درجه دوم القاعده محسوب می‌شدند از طریق کشورهای همسایه افغانستان به کشورهای مختلف و از جمله عراق رفتند. این گروه در زمان حکومت صدام با سازمان استخبارات عراق، روابط خوبی برقرار کردند و سازمان‌های امنیتی عراق که سرگرم آماده شدن برای جنگ با امریکا بودند زمینه انتقال رهبران و جنگجویان القاعده را به نزدیکی بغداد فراهم کردند^(۳).

سقوط صدام در سال ۲۰۰۳ و تضعیف جایگاه سیاسی اهل سنت در عراق باعث شد طردشدگان اعم از نیروهای نظامی بعث و نخبگان سنی‌مذهب، تقویت جناح خود را مستلزم همکاری با سلفی‌ها بدانند تا مانع تثبیت گفتمان‌های رقیب شوند. چنین شرایطی گروه‌های سلفی را قادر ساخت تا بتواند احساس محرومیت را در بخشی از جامعه اهل سنت عراق هژمونیک ساخته و با جذب گروه‌های متضاد فکری، آنان را مشتاق به همکاری با خود کنند.

از آن زمان به بعد اسلام‌گرایان سلفی با بهره‌گیری از عنصر ایجاد احساس محرومیت توانسته‌اند با پرداخت مبالغ زیادی به بزهکاران اجتماعی، عاملی برای بهبود شرایط معیشتی تلقی شده و بزهکاران را در زمینه انجام جنایت‌های مختلف از قبیل ربودن و سربریدن افراد مورد نظر، راضی به همکاری کنند. محروم شدن بعضی‌ها از مناصب پیشین، عامل جذب این گروه سکولار به سمت القاعده و دیگر گروه‌های سلفی شده است تا از طریق همکاری با این گروه بتوانند کانون‌های

قدرت را راضی به سهیم کردن بعثی‌ها در قدرت سازند.

بعضی از رؤسای قبایل و عشایر سنی‌مذهب، وضعیتی مشابه بعثی‌ها در عراق داشته‌اند. آنان که در زمان حکومت صدام از جایگاه ویژه‌ای در جامعه برخوردار بوده‌اند، اکنون خود را محروم از آن شرایط دانسته و همانند بعثی‌ها برای تحت فشار قرار دادن نیروهای اشغالگر و دولت عراق، به دنبال امتیازطلبی و گرفتن سهمی بیش از وزن جمعیتی خود هستند و این هدف باعث شده است که در مقاطع زمانی خاصی با گروه‌های سلفی همکاری داشته باشند.

اگرچه گروه‌های متعددی با اسلام‌گرایان سلفی همکاری داشته و دارند، ولی صرف همکاری به معنی آمادگی تمامی آنان برای اجرای عملیات انتحاری نیست. بیشترین افرادی که سلفی‌ها توانسته‌اند آنان را به عملیات انتحاری راضی سازند جوانان غیرعراقی هستند که عمدتاً براساس انگیزه‌های مذهبی جذب این گروه شده‌اند. فتوای شیوخ وهابی، شبکه‌های ماهواره‌ای سلفی، شبکه اینترنت، ایمیل و گروه‌های دوستی باعث شده است که جوانان کشورهای منطقه از جمله عربستان سعودی و اردن به گروه‌های سلفی در عراق پیوندند. مبلغان سلفی با تغذیه فکری آنها درباره کافر بودن افرادی که با اشغالگران در یک کشور مسلمان همکاری می‌کنند و نیز القای اندیشه کافر بودن شیعیان و ثواب کشتن آنها توانسته‌اند این جوانان را تهییج و بسیج کرده و آماده انجام عملیات انتحاری متعددی کنند.^(۴) از زمان سقوط صدام فعالیت سلفی‌ها روندی فزاینده پیدا کرد که شکل‌گیری گروه‌های متعدد سلفی فعال در عراق حاکی از این امر است^(۵) و عملیات انتحاری را به‌عنوان مؤثرترین ابزار در برقرار ساختن دیگر گفتمان‌ها به‌کار گرفته‌اند؛ به‌نحوی که محمدحافظ تعداد این عملیات‌ها را در حدفواصل ۲۲ مارس ۲۰۰۳ تا ۲۰ فوریه ۲۰۰۶، بالغ بر ۴۴۳ مورد می‌داند (Hafez, 2006: 1-27 & Hafez, 2006).

گروه‌های انصارالسنه، گروه توحید و جهاد و گروه امارات عراق اسلامی در انجام اعمال جنایتکارانه از سایر تشکل‌های سلفی معروف‌تر می‌باشند؛ انصارالسنه با بیانیه‌ای که در آوریل ۲۰۰۳ صادر کرد، نخستین گروهی بود که رسماً عمل جنایتکارانه سر بریدن شهروندان عراقی را به اتهام همکاری با اشغالگران به‌عهده گرفت و تصاویر آن را در شبکه اینترنت منتشر کرد و از همین طریق هم معروف شد. ابومصعب الزرقاوی پس از اینکه در سال ۲۰۰۳ وارد عراق شد، گروه توحید و

جهاد را تأسیس کرد. این گروه در ادامه به «قاعده الجهاد فی بلاد الرافدین» تغییر نام یافت تا پس از مدتی آنچه به دولت اسلامی عراق شهرت یافته را تشکیل دهد. پس از هلاکت زرقاوی در سال ۲۰۰۶، ابوحمزه المهاجر معروف به ایوب‌المصری جانشین وی شد تا اینکه وی و ابوعمر البغدادی در ۱۸ آوریل ۲۰۱۰ کشته شدند و تشکل مذکور ابوبکر البغدادی الحسینی القرشی را به‌عنوان رهبر جدید این گروه و ابوعبدالله الحسینی القرشی را به‌عنوان معاون وی تعیین کردند.^(۶)

تشکل امارات عراق اسلامی به‌عنوان هسته اصلی تشکیل دولت اسلامی در تاریخ ۲۰۰۵/۱۲/۲۵ اعلام موجودیت کرد تا گروه‌های متعدد را برای تشکیل دولتی خودخوانده هماهنگ سازد و در ابتدا متشکل از پنج گروه یعنی، القاعده، ارتش طایفه منصوره، ارتش اهل سنت و جماعت، سرایا انصار التوحید، و سرایا الغرباء بود. اما پس از آن هم گردان‌های الاهوال و گردان‌های جهاد اسلامی عراق و نیز گردان‌های مرابطین در تاریخ ۲۰۰۶/۱۰/۱۲ به آن پیوستند و در تاریخ ۲۰۰۶/۱۰/۱۳ ریاست ابوعمر البغدادی^(۷) را اعلام کردند.^(۸) این تشکل، عراقی‌ها را به سه گروه مرتد (شیعه)، گمراه (کرد) و مقاوم (اهل تسنن) تقسیم کرده و اهداف خود را چنین اعلام کرد:

الف - حمایت از اهل تسنن و دفاع از اهداف آنها؛

ب - ریشه‌کنی کامل مرتدان (شیعیان) و تخریب مراکز قدرت و پایگاه‌های کافرانه آنها؛

ج - دعوت از برادران گمراه برای بیعت با دولت و در صورت استنکاف، استفاده از زور برای انجام این اقدام؛

د - متحد کردن مجاهدان و تثبیت ارکان دولت اسلامی.^(۹)

سی‌وهشت نفر از علمای سلفی عربستان سعودی در راستای تحریک احساسات ناسیونالیستی اهل سنت عراق علیه شیعیان در بیانیه اکتبر ۲۰۰۶ (آذر ۱۳۸۵) ضمن ابراز تأسف از سقوط بغداد آن را توطئه مشکوک صلیبیون (نیروهای اشغالگر)، روافض (شیعیان) و صفویان (ایرانیان) دانستند و هدف از آن را حفاظت و حمایت از اشغالگران و تحدید نفوذ اهل سنت در منطقه و ایجاد هلال شیعی و تجزیه عراق به سه منطقه کردی، شیعی و سنی خواندند.^(۱۰)

تبلیغات مستمر سلفی‌های وهابی علیه شیعیان نه‌تنها در عراق بلکه در ایران،

افغانستان و پاکستان توانسته است باعث جذب بعضی از اهل سنت به تشکلات وهابیت و اقدام به عملیات انتحاری علیه شیعیان شود.

۹. نشانه‌شناسی عملیات انتحاری در گفتمان سکولاریسم

کلمه سکولار^۱ که در زبان عربی به علمانیه ترجمه شده است، در زبان انگلیسی برای نخستین بار توسط جورج هالی اوک^۲ (۱۸۱۷-۱۹۰۶) در سال ۱۸۴۶ استفاده شد و ایده جدایی اجتماع از دین را بدون تلاش برای انتقاد عقاید دینی مطرح کرد (هیستینگ، ۲۰۰۳: ۳۵۰). دال‌های سکولاریسم حول محور اومانیزم مفصل‌بندی شده‌اند که براساس آن، انسان آفریننده همه ارزش‌ها و محور و معیار تمامی ارزش‌ها و منافع است. دیگر دال‌های سکولاریسم که در حوزه مغناطیس معنایی دال برتر قرار گرفته و معنا پیدا می‌کنند عبارتند از: ۱- عقل‌محوری (به معنی عدم نیاز به آموزش‌های الهی و کتاب آسمانی)؛ ۲- نسبی‌گرایی (به معنی تابعیت حسن و قبیح از شرایط اجتماعی و زیستی)؛ ۳- سنت‌ستیزی (سنت‌ها را معادل ارتجاع و کهنه‌پرستی دانستن و مبارزه با آن)؛ ۴- اباحی‌گری (آزادی مطلق و تجویز بی‌بندوباری)؛ ۵- ساینتیسم (به معنی تکیه افراطی بر علوم تجربی و علوم اجتماعی و بی‌نیازی از احکام شرعی و دستورات دینی) (شاکرین، ۱۳۸۴، ۵۶-۴۹).

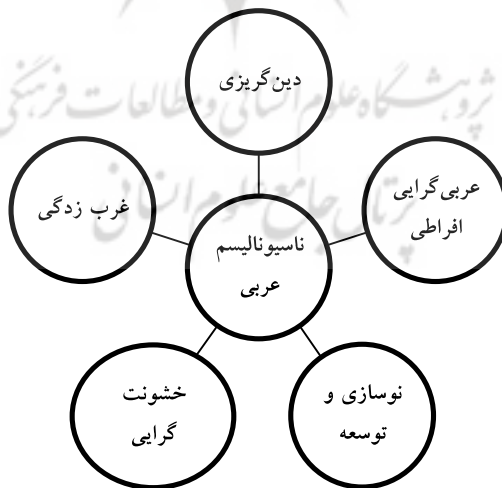
نمودار شماره (۴). مفصل‌بندی دال‌های گفتمان سکولاریسم



1. Secular
2. George Jacob Holyoake

لازم به ذکر است که سکولاریسم رایج در غرب با سکولاریسم مطرح شده در جهان عرب تفاوت‌های بارزی دارد. سکولاریسم در تلقی رایج در میان عرب‌ها، بیشتر ناظر به شناخت آن از راه اهداف شناخته‌شده و معمول آن است، نه از راه مبانی فعلی یا بایسته آن. از این‌رو در آغاز شکل‌گیری اندیشه‌های ناسیونالیستی در کشورهای عربی، سکولاریسم را عاملی اجتناب‌ناپذیر برای تحقق وحدت اجتماعی، و رهایی از انواع عقب‌ماندگی‌ها و راهی برای نوسازی و توسعه جامعه تلقی می‌کردند و برخی مانند ناصیف نصار سکولاریسم را به‌عنوان عاملی برای مقابله با تمامیت‌خواهی دینی مطرح کردند (شریعت‌مداری، ۱۳۸۲: ۳۴-۳۲). بنابراین در قرن نوزدهم دو گرایش سکولاریستی عمده در مناطق عربی شکل گرفت؛ گرایش نخست اعتقاد داشت که می‌توان ضمن حفظ دین به‌عنوان یک امر عقیدتی شخصی، مسائل سیاسی را در حوزه جداگانه‌ای از امور دینی قرار داد و در کنار اعتقاد به دین به یک جامعه دموکراتیک و آرمانی دست یافت. گرایش دوم معتقد بود، دستیابی به جامعه آرمانی مستلزم حذف دین از صحنه سیاست است و باید دین و هر امری که در رابطه با دین است کنار گذاشته شود و تنها راه سعادت انسان دین‌گریزی، ارزش‌گریزی و اخلاق‌گریزی است و توجه تام به مادیات و تبعیت مطلق از غرب باعث خوشبختی و سعادت انسان می‌شود.

نمودار شماره (۵). مفصل‌بندی دال‌های گفتمان سکولاریسم عربی



با گسترش اندیشه‌های ناسیونال سوسیالیستی حزب بعث، گفتمان سکولاریسم در دهه ۱۹۵۰ رواج بیشتری یافت و تا سقوط صدام، گفتمان حاکم بر کشور بود و اعضای حزب بعث اعم از شیعه و سنی مذهب و گفتمان کرد را تحت تأثیر خود قرار داده بود. با سقوط صدام تلاش شد که این گفتمان در پناه گفتمان لیبرال دموکراسی بتواند هدایت امور سیاسی عراق را به دست گیرد، اما در این امر توفیقی به دست نیاورد و در به حاشیه راندن گفتمان اسلام سیاسی ناکام ماند.

در منازعات گفتمانی عراق، سکولاریسم گفتمان مستقلی شمرده نمی‌شود بلکه در گفتمان کرد، بعثی‌های سابق، نئوبعثی‌ها، اهل سنت میانه‌رو، ناسیونالیست‌ها، کمونیست‌ها، سوسیالیست‌ها و طرفداران لیبرال دموکراسی غرب حضور بارز و آشکاری دارد و در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۰ ائتلاف عراقیه توانست سکولارهای عرب از اقوام و مذاهب مختلف را دور هم جمع کند.

اکثر سکولارهای عراقی را مسلمانانی تشکیل می‌دهند که با محور قرار گرفتن اسلام در قانون‌گذاری و اداره کشور مخالف بوده و جایگاهی سیاسی برای رهبری دینی قائل نیستند و نسبت به نقش دین در سیاست با بدبینی نگاه کرده و تلاش می‌کنند مدل حکومتی عراق بتواند حمایت و تأیید کشورهای غربی را کسب کند و خواهان شخصی شدن دین در حوزه سیاست و اجتماع هستند. گروه دیگری از سکولارهای عراقی را عرب‌های ملی‌گرایی تشکیل می‌دهند که خواهان وحدت ارضی عراق می‌باشند و اعتقاد دارند که فعال شدن گروه‌های دینی منجر به شکاف اجتماعی شده و در نهایت منجر به تجزیه عراق می‌شود. گروه‌های سوسیالیست و کمونیست که چندان پایگاه اجتماعی ندارند، سکولاریسم را تنها عاملی می‌دانند که به آنان مشروعیت می‌بخشد.

با توجه به اینکه محوریت عملیات انتحاری در عراق با اسلام‌گرایان سلفی بوده است، ناهمگونی شدیدی بین انگیزه‌ها و اهداف آنان با سکولاریست‌ها وجود دارد که احتمال همکاری آنان را بسیار کاهش می‌دهد. بیشترین منفعت سکولارها برای جلب حمایت دول غربی و به‌ویژه امریکا، در گرو دفاع از لیبرال دموکراسی و همکاری با نیروهای اشغالگر بوده است؛ موضعی که باعث شده است سلفی‌ها از سکولارهایی از قبیل *ایاد علاوی* به‌عنوان خائن به عراق و امت عربی یاد کنند. از

سوی دیگر آنچه سلفی‌ها را به عملیات انتحاری سوق داده است، عمدتاً عامل مذهب است که این امر نیز در گفتمان سکولاریسم جایگاهی ندارد و حتی همکاری سکولارهای بعثی با اسلام‌گرایان سلفی، تا مرز ناامن‌سازی جامعه و تحت فشار قرار دادن امریکا و دولت منتخب و کسب امتیاز از آنان است و دستیابی به این اهداف و تحقق چنین منافع با انجام عملیات انتحاری سازگاری ندارد و سکولارها را از توسل به عملیات انتحاری بازمی‌دارد.

۱۰. نشانه‌شناسی عملیات شهادت‌طلبانه در گفتمان اسلام سیاسی مردم‌سالار امروزه گفتمان غالب بر جوامع شیعی، گفتمان اسلام سیاسی مردم‌سالار است که براساس عقلانیت جمعی و به‌منظور حفظ جان، تأمین امنیت و برآورده ساختن حقوق تمامی آحاد جامعه بنا شده است. اندیشه اصولی قائل به حسن و قبیح ذاتی افعال بوده که عقل قادر به کشف آن است. دخیل دانستن عقل در حوزه استنباطات فقهی باعث شده است که عقل مجاز به تعیین تأثیر شرایط زمانی و مکانی در کشف مدلول آیات و روایات باشد. عنصر دیگری که در اندیشه سیاسی شیعه نقش اساسی دارد، جایگاه اختیار است که براساس آن هر کسی مسئول اعمال خود شناخته می‌شود و هیچ‌کس نمی‌تواند در قبال اعمال و رفتار از خود سلب مسئولیت کند. نتیجه منطقی اعتقاد به اختیار، آزاد دانستن انسان‌هاست و تا جایی که آزادی فرد به حقوق دیگران و نظام اسلامی آسیبی نرساند، هر فردی حق دارد آزادانه هر مسیری را انتخاب کند.

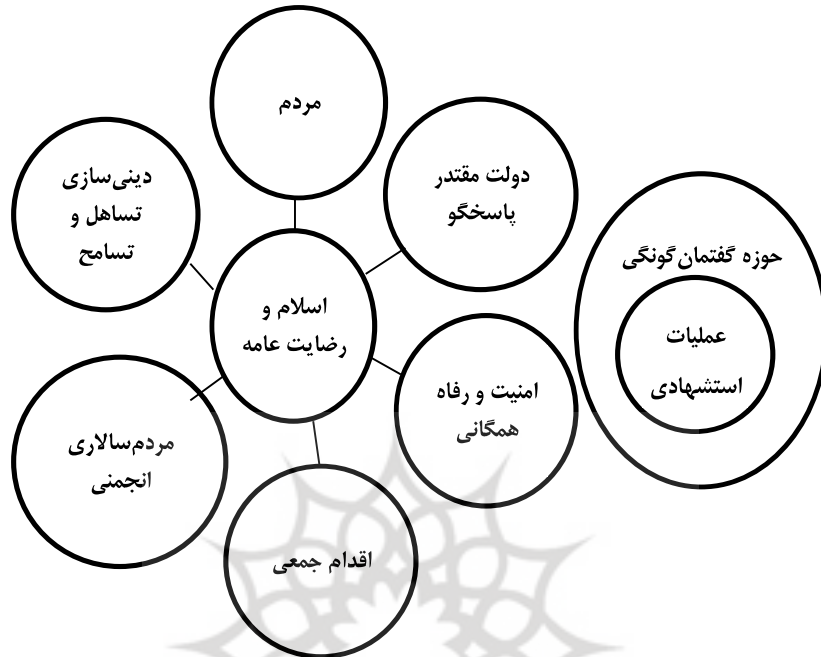
از دیگر معیارها در گفتمان مذکور، رعایت مرجحات و اولویت‌هاست که براساس آن هر مصلحت بالاتری که در تعارض با مصلحت پایین‌تر قرار گیرد، مصلحت بالاتر باید مقدم داشته شود. در این گفتمان بالاترین مصلحت، حفظ اسلام و نظام اسلامی و سپس حفظ جان افراد جامعه است. جان تمامی انسان‌ها محترم و ارزشمند است، ولی اگر حفظ جان یک نفر مستلزم نابودی عده زیادی از جامعه اسلامی شود در این صورت حفظ جان اکثریت، مقدم بر حفظ جان یک فرد می‌شود. برآیند منطقی چنین مفروضاتی، مقدم داشتن مصلحت اکثریت بر مصلحت اقلیت است.

ضرورت مقدم داشتن مصلحت اکثریت، حوزه‌های متعددی از جمله استنباطات فقهی علما را دربر می‌گیرد. در علم اصول فقه، یقین (قطع) مهم‌ترین معیار در صدور حکم است و هر مجتهدی که در حکم موضوع معینی به یقین برسد، مجاز به تبعیت از دیگران نبوده و باید براساس یقین خود عمل کند. اما اگر فقیهی در موضوعی اجتماعی به نتیجه‌ای دست یابد که با یقین ولی فقیه در آن مورد، تعارض داشته باشد، مجاز نیست با استناد به یقین شخصی، حکم به نافرمانی اجتماعی و قانون‌گریزی بدهد، زیرا پذیرش چنین مبنایی منجر به هرج و مرج شده و مصالح اکثریت جامعه را به خطر خواهد انداخت.

در گفتمان اسلام سیاسی مردم‌سالار، مقدم داشتن حقوق اکثریت به معنی نادیده گرفتن حقوق اقلیت و محروم ساختن آنان از خواسته‌های مشروعشان نیست، بلکه سیاست کلی جامعه، تأمین خواسته تمامی آحاد جامعه است و مادام که خواسته‌های اقلیت در تعارض با خواست اکثریت قرار نداشته باشد و امنیت عمومی جامعه را به معنای عام، به خطر نیاندازد، آنان از حقوق مساوی با دیگران برخوردارند و صرف در اقلیت قرار گرفتن باعث محرومیت آنان از حقوق خود نمی‌شود.

کشف معنای هر نشانه‌ای از جمله عملیات انتخاباتی در گفتمان اسلام سیاسی مردم‌سالار، مستلزم مدنظر قرار دادن مفصل‌بندی فوق و نحوه ارتباط آن با دال‌های یادشده است. بر این مبنای، اگر توسل به چنین عملیاتی در تعارض با معیارهای مذکور باشد، به عنوان امر مذموم، خودکشی و جنایت علیه بشریت معنا می‌شود؛ همان‌گونه که در صورت برقراری پیوندی چندجانبه با آنها به عنوان مقدس‌ترین عمل و نشانه اوج عظمت یک ملت معنا یافته و به عملیات شهادت‌طلبانه از آن تعبیر می‌شود.^(۱۱)

نمودار شماره (۶). مفصل‌بندی گفتمان اسلام سیاسی مردم‌سالار



با توجه به فضای گفتمانی اسلام سیاسی مردم‌سالار و سخنان و فتاوی مراجع تقلید شیعه از جمله امام خمینی (ره)، آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله مکارم شیرازی، آیت‌الله فاضل لنکرانی، آیت‌الله روحانی، و علامه محمدحسین فضل‌الله، توسل به عملیات شهادت‌طلبانه در گرو شرایط معینی است که عمدتاً عبارت از موارد زیر است:

۱. افرادی که در تشخیص موضوع از نظر فقهی و یا نظامی بی‌بهره باشند مجاز به تصمیم‌گیری نیستند؛

۲. تشخیص انجام این نوع عملیات در صلاحیت ولی امر و افرادی است که از سوی وی به بررسی و تعیین مصادیق این امر منصوب شده باشند.^(۱۲)

۳. عملیات استشهادی برای دفاع از اسلام و نظام اسلامی ضروری دانسته شود و پیروزی مسلمانان یا دفع ضرر از آنها متوقف بر انجام آن باشد.^(۱۳)

۴. عملیات استشهادی به‌عنوان آخرین گزینه و تنها راه مبارزه با متجاوز تشخیص داده شده باشد.^(۱۴)

۵. هدف قرار گرفتن افراد غیرنظامی باید جنبه نظامی داشته باشد.^(۱۵)

اگرچه تفاوت‌های آشکار و غیرقابل‌انکاری در حوزه اندیشه سیاسی از جمله عملیات شهادت‌طلبانه بین مراجع تقلید وجود دارد، ولی نکته‌ای که نباید از نظر دور بماند این است که عمده این تفاوت‌ها ناشی از یکسان نبودن جزئیات پرسش‌ها و استفتائات است و چه بسا مصلحت دیگری مانع از صدور فتوا در این زمینه شده باشد والا تمامی آنان دفاع را امری عقلی و ضروری دانسته و منکر دفع خطر از مسلمانان و جامعه اسلامی نیستند.

۱۱. بی‌قراری گفتمان اسلام سیاسی سلفی

گفتمان اسلام‌گرایان سلفی که توانسته بود معانی مورد نظر خود را پس از اشغال عراق در مناطق سنی‌نشین نسبتاً تثبیت کند و همکاری عده زیادی از اهل سنت را به دست آورد، از سال ۲۰۰۵ به بعد این گفتمان به دلایل متعددی دچار بی‌قراری شد که مهم‌ترین به شرح زیر قابل ذکر می‌باشند.

۱-۱۱. جدایی رهبران قبایل

گروه‌های سلفی توانسته بودند قبایل متعددی را به سمت خود جذب کنند که در بیانیه اعلام موجودیت دولت اسلامی، اسامی این قبایل را منتشر کردند.^(۱۶) ولی از فوریه ۲۰۰۶ دولت امریکا به این نتیجه رسید که تضعیف جایگاه اقتصادی - اجتماعی رؤسای قبایل مذکور، باعث نارضایتی آنان از وضع موجود شده و برای ابراز مخالفت مؤثرتر با امریکا و دولت عراق، در مسیر همکاری با القاعده قرار گرفته‌اند و در نتیجه امریکا سیاست خود را در قبال عشایر عراق تغییر داد و این افراد را در شوراها بیداری که فقط در استان دیاله بالغ بر ۹ هزار نفر می‌شود به سمت خود جذب کرد و با تحویل اسلحه و پرداخت حقوق ماهیانه به آنان تحت عنوان تأمین امنیت منطقه باعث شد که سران عشایر، منفعت خود را در همکاری با دولت امریکا بدانند و از همکاری با گروه‌های سلفی امتناع کنند.

جدا شدن سران قبایل از سلفی‌ها درحقیقت تابعی از ناکامی اسلام‌گرایان سلفی در هژمونیک ساختن احساس محرومیت مورد نظر خود بر اهل سنت عراق بود. این گفتمان که با توجه به حمایت و همراهی بعضی از رؤسای قبایل عرب سنی‌مذهب، تلاش می‌کرد دال‌ها را در معانی مورد نظر خود تثبیت کرده و با مفصل‌بندی آنها،

قادر به غیریت‌سازی با دیگر گفتمان‌ها باشد، دچار بی‌قراری شد؛ به‌نحوی که هم‌پیمانان دیروز نه‌تنها دوست تلقی نشده بلکه هم‌پیمان صلیبی‌ها محسوب شده و به‌عنوان خصم، هدف حملات قرار گرفتند که خود باعث گسترش مخالفت رهبران قبایل سنی‌مذهب با القاعده و دیگر گروه‌های سلفی شد و بسیاری از آنان از جمله گروه «قیام‌کنندگان الانبار» که به‌عنوان حامی اصلی القاعده در عراق بوده و بسیاری از ایدئولوژی‌های سلفی جهادی را هم در داخل خود به‌اجرا گذاشته بود، بعد از مدتی از آنان جدا شد. «ارتش مجاهدین» متشکل از ائتلاف عشایر عراقی استان الانبار نیز علیه گروه القاعده وارد مبارزه شد و گروه القاعده هم تاکنون برخی از رهبران و رؤسای عشایر این منطقه را ترور کرده است.^(۱۷)

۲-۱۱. همکاری افسران جزء و سطوح پایین بعثی با نیروهای امریکایی

سنی‌های میانه‌رو غیرسلفی توانستند امریکا و دولت عراق را قانع کنند که منافع مشترکی بین آنان وجود دارد. به همین دلیل نوری مالکی پیش از انتخابات ۲۰۱۰ موافقت دولت با برگشت ۲۰ هزار افسر سابق عراق به خدمت در بخش پشتیبانی را اعلام کرد^(۱۸) که خود باعث دودستگی میان سنی‌های مخالف دولت شده است و موضع دولت عراق را تقویت کرده است.

۳-۱۱. هژمونی اسلام سیاسی مردم‌سالار در عراق

اسلام سیاسی مردم‌سالار بر دال‌هایی تأکید می‌ورزد که منجر به تأمین منافع همه‌جانبه مردم عراق اعم از سنی و شیعه می‌شود. این گفتمان با تلاش برای هماهنگ ساختن خواست اکثریت با اسلام و به‌منظور تأمین امنیت عمومی و منافع حداکثری افراد جامعه، منادی عدالت و برابری حقوق شیعیان و اهل سنت در بهره‌مندی از کلیه موقعیت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بوده است و ثروت‌ها و منابع طبیعی عراق را متعلق به تمامی عراقی‌ها دانسته و به‌دنبال آزادسازی کشور با کمترین هزینه بوده است. موفقیت‌های آیت‌الله سیستانی در تثبیت دال‌های این گفتمان ناشی از غیرقابل‌قبول دانستن رفتارهای کینه‌توزانه و انتقام‌جویانه بین مسلمانان شیعه و سنی است که به طریق اولی عملیات انتحاری شیعیان علیه اهل سنت را مردود می‌شمارد. اگرچه گفتمان آیت‌الله سیستانی در حوزه عملیات

انتحاری در بین شیعیان عراقی توانسته است به هژمونی دست پیدا کند و گفتمان اسلام سلفی را به عنوان دیدگاهی منحرف به حاشیه براند، ولی از آنجا که به حاشیه رانده شدن یک گفتمان به معنی نابودی آن نیست، گروه‌های سلفی با عملیات انتحاری به اقدامات غیرانسانی خود ادامه می‌دهند.

۱۲. جمهوری اسلامی ایران و چالش‌های امنیتی اسلام‌گرایان سلفی

موقعیت ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران و توجه به ترکیب قومی - مذهبی مناطق مرزی و کشورهای همجوار مشخص می‌سازد که فعالیت‌های گروه‌های اسلام‌گرای سلفی، تأثیر غیرقابل انکاری بر مرزنشینان ایران دارد و به‌ویژه شرایط طبیعی - اقتصادی - اجتماعی حاکم بر مناطق مرزی شرق کشور به نحوی است که هرم احساس محرومیت مازلو در حوزه نیازهای فیزیولوژیک دارای مصادیق فراوانی است. از سوی دیگر کینه و عداوت سلفی‌های عراق، پاکستان و عربستان سعودی با مذهب تشیع و به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران به قدری واضح و آشکار است که *گاندارتان*، رئیس مرکز بین‌المللی تحقیقات خشونت سیاسی و تروریسم سنگاپور، آنان و القاعده را تهدیدی برای آینده ایران اسلامی می‌داند.^(۱۹)

ایمن‌الظواهری، رهبر اصلی القاعده در پاکستان و افغانستان که در ابتدا مبارزه با امریکا در سرزمین‌های اسلامی را در اولویت قرار داده بود و با درگیری مسلمانان سنی و شیعه مخالفت می‌کرد و در سال ۲۰۰۶ با ابومصعب الزرقاوی که شیعیان عراق را تهدید به بمب‌گذاری انتحاری کرده بود مخالفت کرد، پس از مدتی به دشمنی با ایران و شیعیان روی آورد. او ایرانیان را منحرف از قرآن واقعی و سنت پیامبر می‌داند که در اوضاع داخلی عراق دخالت کرده و همکار اشغالگران امریکایی می‌باشند. وی می‌گوید: «شعارهایی مانند «امریکا، شیطان بزرگ» در عمل تبدیل به «امریکا، نزدیک‌ترین شریک» شده است.^(۲۰)

اسلام‌گرایان سلفی نه تنها منافع ایران را در عراق و پاکستان و افغانستان به مخاطره می‌افکنند، بلکه با تبلیغ اندیشه‌های وهابیت در داخل ایران، به دنبال ناامن ساختن این کشور با ایجاد جنگ شیعه و سنی و بحرانی ساختن مناطق سنی‌نشین می‌باشند. فعالیت این فرقه در مناطق سنی‌نشین ایران به‌ویژه در مرزهای شرقی

کشور، باعث گسترش عقاید افراطی آنان در این مناطق شده است که به شهادت رساندن تعدادی از شیعیان زاهدان، سرباز و چابهار و نیروهای مرزی را به وسیله عملیات انتحاری و تروریستی به دنبال داشته است.

منافع جمهوری اسلامی ایران اقتضا می‌کند که تلاش بی‌وقفه‌ای در بی‌قرار کردن گفتمان سلفی و بی‌اعتبار کردن دال‌های آن را مبذول نماید که خود مستلزم اتخاذ راهبردها و تاکتیک‌هایی چندجانبه است که ضمن از بین بردن احساس محرومیت مادی و معنوی، مانع گسترش تفرقه و زمینه‌های کینه‌ورزی و دشمنی بین شیعیان و اهل سنت از بین برود و از فعالیت افراط‌گرایان شیعی و سنی در کشور جلوگیری شود. تحقق روشنگری اجتماعی به معنی به‌تثبیت رساندن دال‌های گفتمان اسلام سیاسی مردم‌سالار است که منوط به در دسترس قرار دادن این معانی توسط سوژه‌های جامعه سنی‌مذهب و شیعه ایران با سازوکارهای مناسب از قبیل برگزاری میزگردهای تلویزیونی تقریب مذاهب با حضور بزرگان دو مذهب و مردود شمردن مبانی فکری وهابیت است و مانع گرایش آنان به سمت رفتارها و عقاید منحرف سلفی‌ها شود و زمینه‌های نفوذ آنها به جامعه اسلامی ایران را مسدود کند.

نتیجه‌گیری

کشور عراق صحنه منازعه سه گفتمان اسلام سیاسی مردم‌سالار، سکولاریسم تحت پوشش لیبرال‌دموکراسی و اسلام سیاسی سلفی (تکفیری) است و هر گفتمانی در صدد غلبه بر حریف و به‌حاشیه راندن آنهاست. نشانه‌های «عملیات انتحاری» و «عملیات شهادت‌طلبانه» در گفتمان‌های مختلف استلزامات معنایی بسیار متعارضی پیدا کرده است.

در حال حاضر یکی از عوامل مهم فتنه‌گری در عراق، جریان سلفی تکفیری است که در لباس دفاع از اسلام و سرزمین‌های اسلامی و مبارزه با اشغالگری کفار، عملاً در مسیر تضعیف اسلام و تحکیم منافع دولت‌های ضداسلامی گام برمی‌دارد. از آنجاکه مهم‌ترین ابزار سلفی‌ها، ترور و عملیات انتحاری مخالفان خود از جمله شیعیان عراق - که اکثریت ۶۵ درصدی جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند - می‌باشد، هرگز قادر نخواهد بود با مقدس جلوه دادن چنین رویکردی، به هژمونی

دست یابد.

در عراق، گفتمان سکولاریسم موفقیت خود در به حاشیه راندن دین از صحنه سیاست را در گرو حمایت از اشغالگران و همکاری با آنان می‌داند و به همین دلیل نیز آماج حملات انتحاری اسلام‌گرایان سلفی قرار گرفته است. آنچه در مورد دال عملیات انتحاری در گفتمان سکولاریسم باید مدنظر قرار داد این است که چنین اقداماتی نه تنها مزیتی برای طرفداران گفتمان سکولاریسم (لیبرال‌دموکراسی) محسوب نمی‌شود، بلکه بی‌اعتباری این گفتمان در صحنه سیاسی عراق را به همراه خواهد آورد و به همین دلیل مسلمانان سکولار (اعم از شیعه و سنی‌مذهب) با ترویستی خواندن عملیات انتحاری به مخالفت صریح با آن و غیریت‌سازی کاملاً آشکار با گفتمان اسلام‌گرایی سلفی پرداخته‌اند.

از آنجاکه اکثریت مردم عراق براساس اصول مردم‌سالارانه با شرکت در همه‌پرسی‌ها و انتخاب نمایندگان مسلمان نشان داده‌اند که نه تنها خواهان نفی دین از صحنه سیاست نیستند، بلکه اسلام را عامل تثبیت هویت خود می‌دانند، حاکی از ظرفیت هژمونی گفتمان اسلام سیاسی مردم‌سالار در صحنه سیاسی این کشور است. گفتمان اسلام سیاسی مردم‌سالار با تلاش برای حفظ جان کلیه افراد جامعه و ایجاد امنیت و ثبات سیاسی، تمام مسلمانان را امت واحده‌ای می‌داند که در آن اهل سنت مانند شیعیان می‌بایست از تمام حقوق و آزادی‌های قانونی برخوردار باشند. دال «عملیات شهادت‌طلبانه» که در مفصل‌بندی گفتمان اسلام سیاسی مردم‌سالار قرار گرفته است، در حوزه جنگ داخلی و دشمنی بین شیعیان و اهل سنت مصداق ندارد و به همین دلیل آیت‌الله سیستانی، شیعیان را از اقدامات خشونت‌آمیز علیه اهل سنت منع کرده است و در نتیجه توسط به این‌گونه اقدامات تحت نشانه عملیات انتحاری معنا می‌شود. ظرفیت بالقوه گفتمان اسلام سیاسی مردم‌سالار در کسب هژمونی ناشی از توانایی آن در جمع کردن عقلانیت با شهادت‌طلبی و حفظ ارزش‌های اسلامی است. هژمونیک شدن این گفتمان باعث استقرار مردم‌سالاری دینی در منطقه و دور کردن آن از خطر جنگ‌های فرقه‌ای خواهد شد.*

پی‌نوشت‌ها

۱. قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۱۹۵.
۲. پس از خروج ارتش سرخ از افغانستان، برخی از مجاهدان به کشورهای خود بازگشتند اما برخی دیگر از جنگجویان و رهبران آنها که عمدتاً از ورود به کشور خود منع شده بودند، به فکر تداوم و گسترش شبکه مجاهدان افتادند. سرانجام بن‌لادن (اسامه بن محمد بن عوض بن‌لادن/ تولد: ۱۹۵۷/ریاض. عربستان) رهبر مجاهدان عرب - افغانی پس از دیدار با ایمن الظواهری (ایمن محمد الربیع الظواهری/ تولد: ۱۹۵۱/ قاهره. مصر) سازمان القاعده را رسماً در سال ۱۹۹۸ بنیان نهاد و مقابله با کفار را در دستورکار خود قرار داد. از نظر رهبران القاعده کفار شامل هر کسی است که از دایره پیروان احمد بن حنبل، ابن تیمیه و محمد ابن عبدالوهاب خارج باشد. شیعیان، یهودیان، مسیحیان، دولت‌های غربی در رأس دشمنان القاعده قرار دارند. نک به: الله کرم مشتاقی، «نحوه شکل‌گیری القاعده افغانستان و عراق به‌عنوان تهدید امنیت ملی ایران»، قابل دسترس در آدرس زیر:
<http://www.siasatema.com/NSite/FullStory/?Id=19506>.
۳. «القاعده از تورا بورا تا کجا»، قابل دسترس در آدرس زیر:
http://www.rawshangar.com/fa/temp.php?m_af=1061&id1=13&detail=53&cnl=&t_p=1.
۴. نک به: «ابو مصعب الزرقاوی فی خطابه یعلن ان معركة مع الشیعه»، قابل دسترس در آدرس زیر:
<http://ebaa.net/khabar/24/01/2005/khabar2004.htm>. retrieved 2011/8/23, 23:10.
- الشیخ عبدالله بن محمد البصری، «حقیقة الرافضة والتحذیر منهم»، قابل دسترس در آدرس زیر:
<http://www.islamlight.net/index.php?option=content&task=view&id=22387&pp=1&page=0>. retrieved 2011/8/23, 23:15&.
- محمد بن عبدالله الخضیری، «خطورة الرافضة»، قابل دسترس در آدرس زیر:
<http://www.islamlight.net/index.php?option=content&task=view&id=4451>.
2011/8/23, 23:20.
۵. سلفی‌ها، گروه‌ها و سازمان‌های متعددی با محوریت القاعده در عراق به‌وجود آمده و یا با آن همکاری کرده و رابطه بسیار نزدیکی برقرار ساخته‌اند که معروف‌ترین آنها عبارتند

از:

۱- ابناء الاسلام؛ ۲- اجناد الاسلام؛ ۳- امنای بیداری؛ ۴- انصار الاسلام؛ ۵- انصار السنه؛ ۶- ارتش انصار السنه؛ ۷- امارات عراق اسلامی؛ ۸- گروه آزادیبخش ارتش عراق؛ ۹- گروه توحید و جهاد؛ ۱۰- گروه قیامکنندگان الانبار؛ ۱۱- جبهه اسلامی مقاومت عراق (جامع)؛ ۱۲- جبهه آزادیبخش ملی عراق؛ ۱۳- جماعت اسلامی کردستان؛ ۱۴- جماعت اسلامی مسلح - شاخه فلوجه؛ ۱۵- جماعت سلفی - المجاهده؛ ۱۶- جند الاسلام؛ ۱۷- انصار الجهاد فی العراق؛ ۱۸- قاعده الجهاد فی بلاد الرافدین؛ ۱۹- ارتش اسلامی عراق؛ ۲۰- حزب التحریر؛ ۲۱- جیش الطائفه المنصوره؛ ۲۲- گروه یاران اهل سنت (مناصرو اهل السنه)؛ ۲۳- سپاه عمر؛ ۲۴- گروه الانصار وابسته به گردان انتحاری براء بن مالک؛ ۲۵- جیش محمد (الحق)؛ ۲۶- گروه ابویمن؛ ۲۷- گردان زیبر بن عوام؛ ۲۸- گردان حسن بصری.

۶. القاعده عراق رهبر جدید خود را تعیین کرد، قابل دسترس در آدرس زیر:

<http://www.khabaryaab.com/News/98178.htm>. retrieved 1390/7/29 20:38.

۷. عبدالله بغدادی مسئولیت عملیات‌های متعددی از جمله به شهادت رساندن محمدباقر حکیم را برعهده گرفت.

8. Stephen Negus: "Call for Sunni state in Iraq", available at:

<http://www.ft.com/cms/s/e239159e-5c6a-11db-9e7e-0000779e2340.html>,

Retrieved 2010-11-07

۹. «انصار السنه، پیشقراولان قتل انسان‌ها به جرم اعتقادات مذهبی خاص»، قابل دسترس در آدرس زیر:

<http://www.mehrnews.com/fa/newsTextonly.aspx?NewsID=524901>, retrieved 1390/6/23, 22:20.

۱۰. تکفیری‌ها چه کسانی هستند؟، قابل دسترس در آدرس زیر:

http://www.altohid.com/index.php?option=com_mailto&tmpl=component&link=aHR0cDovL3d3dy5hbHRvaGlkLmNvbS9pbmRleC5waHA/b3B0aW9uPWNvbV9jb250ZW50JnZpZxc9YXJ0aWNsZS5pZD04MzU6MTM5MC0wMi0xNC0yMS0xNi01NCZjYXRpZD0zODoxMzg4LTAzLTI4LTA5LTQ3LTUzJkI0ZW1pZD02Mw=. Retrieved 1390/6/23, 22:25.

11. <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3117>. retrieved at: 1390/7/27, 23:15.

۱۲. آیت‌الله روحانی: تشخیص با مسئولانی است که حافظ کشور اسلامی مورد تهاجم قرار گرفته باشند و در بعضی موارد خاص خود شخص می‌تواند تشخیص دهد. فتوا قابل دسترس در آدرس زیر:

<http://www.rohani.ir/istefta-785.htm>, retrieved at: 1390/7/27, 21:50.

۱۳. آیت‌الله فاضل لنکرانی: عملیات استشهادی [در صورتی مجاز است که] با نظر صریح مسئولین دلسوز... و با رعایت همه شرایط که دفاع از خود و کشور متوقف بر آن باشد.

قابل دسترسی در آدرس زیر:

www.nashriat-ps.com/article.php?id=79&article=4, retrieved at: 1390/7/27, 23:25.

۱۴. آیت‌الله مکارم شیرازی: عملیات انتحاری جایز نیست مگر در جایی که خطر متوجه اسلام باشد و راهی برای دفع خطر جز عملیات شهادت طلبانه وجود نداشته باشد و آن هم باید با اجازه حاکم شرع باشد... باید سعی کنند از مجتهد یا نماینده مجتهدی دستور بگیرند.

<http://persian.makarem.ir/estefta/index.php?mit=37>. retrieved at: 1390/7/27, 23:35.

۱۵. آیت‌الله روحانی: اگر تعرض به نظامیان بدون تعرض به غیرنظامیان امکان‌پذیر نباشد و یا آنکه غیرنظامیان هم در اشغال مملکت اسلامی دخیل می‌باشند تعرض به آنان هم مشروع است.

<http://www.rohani.ir/istefta-785.htm>, retrieved at: 1390/7/27, 2150.

۱۶. در بیانیه‌های امارات عراق اسلامی، ادعا شده بود که رؤسای عشایر دلیم، جبور، عبید، زویع، قیس، عزه، طی، جنابات، اللجیالیین، المشاهده، الدلیمیه، بنی‌زید، المجمع، بنی‌شمر، عنزه، الصمدع، النعیم، خزرج، بنی‌لهیب، البوحدات، بنی‌حمدان، السعدون، الغانم، الساعده، المعاضید، الکرابله، السلیمان و الکیبسات با امیر دولت اسلامی عراقی بیعت کرده‌اند، اما از سال ۲۰۰۶ به بعد علی‌رغم تهدیدهایی که علیه این عشایر درباره عدم بیعت انجام گرفت، درگیری‌های سختی بین عشایر اهل تسنن عراق با تشکل مذکور به‌وقوع پیوست؛ به‌نحوی که تقریباً القاعده و گروه‌های اقماری‌اش اکنون پایگاهی در منطقه کاملاً سنی‌نشین الانبار و چند منطقه دیگر عراق ندارند.

۱۷. گروه «قیام‌کنندگان الانبار» از هم‌پیمانی با القاعده تا جدایی، قابل دستیابی در آدرس زیر:

<http://www.mehrnews.com/fa/newsTextonly.aspx?NewsID=524975>.

۱۸. الریعی: ۲۰ هزار افسر سابق عراق در مراکز بستنیانی به‌کار گرفته می‌شوند، قابل دسترسی در:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8812071043>, 88/12/08? retrieved at: Nov 02 2011, 22:09.

۱۹. «ایمن‌الظواهری: ایران می‌خواهد القاعده را بی‌اعتبار کند»، قابل دسترسی در آدرس زیر: <http://www.azoh.blogsky.com/1387/02/04/post-1188/>, retrieved at: 1390/2/16, 22:42

۲۰. «حمله ایمن‌الظواهری به مقامات ایران»، قابل دسترسی در آدرس زیر:

<http://www.aftabnews.ir/vdcbfsb.rhbgwpiur.html>, retrieved at : 1390/2/16, 22:48.

منابع

- افتخاری، اصغر (۱۳۹۰)، «دو چهره اسلام‌هراسی سلبی و ایجابی در تبلیغات غرب»، *رسانه*، سال بیستم، شماره ۳، قابل دسترس در آدرس زیر:
<http://farsi.khamenei.ir/others-article?id=12457>, retrieved 1390/7/28 23:50.
- امیر ملا محمدعلی (پاییز ۱۳۸۴)، «مشروعیت عملیات استشهادی از دیدگاه فقهای معاصر شیعه و اهل سنت»، *حصون*، شماره ۵، قابل دسترس در آدرس زیر:
<http://nashriat-ps.com/article.php?id=7&article=3>, retrieved 1390/7/15, 20:45
- شاکرین، حمیدرضا (۱۳۸۴)، *سکولاریسم*، تهران: اندیشه جوان، چاپ چهارم، جلد اول. شریعتمداری، حمیدرضا (۱۳۸۲)، *سکولاریزم در جهان عرب*، قم: انتشارات مرکز تحقیقات ادیان و مذاهب، چاپ اول.
- طیبی، بسام (۱۳۸۹)، *اسلام، سیاست جهانی و اروپا*. ترجمه محمود سیفی، دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۸۹.
- عارفی، محمد اکرم (بهار ۱۳۷۸)، «مبانی مذهبی و قومی طالبان»، *مجله علوم سیاسی*، شماره ۴، صص ۲۰۵-۲۱۲، قابل دسترس در آدرس زیر:
<http://www.noormags.com/view/fa/ArticlePage/92011>. retrieved 1390/7/28, 23:50.
- غلامی، طهمورث (۱۳۹۰)، «جریان‌های سیاسی سنی - عربی در عراق»، قابل دسترس در آدرس زیر:
kurdpress.com/Fa/NSite/FullStory/?Id=1401. retrieved 1390/8/1, 16:05.
- ورعی، سیدجواد (۱۳۹۰)، «مبانی فقهی عملیات شهادت‌طلبانه»، قابل دسترس در آدرس زیر:
http://www.majlesekhobregan.ir/fa/publications/mags/is_gv/magazines/027/10.htm. retrieved 1390/7/14, 21:10.
- Atran, Scott (Spring 2006), "The Moral Logic and Growth of Suicide Terrorism", *The Washington Quarterly* 29, No. 2. available at: http://www.sitemaker.umich.edu/satran/files/twq06spring_atran.pdf.
- Atran, Scott (Summer 2004), "Mishandling Suicide Terrorism," *Washington Quarterly* 27, No.3.

Thompson, Larry (2001), "War's Forgotten Faces", *The Atlantic Online December 18, 2001*. available at: <http://www.theatlantic.com/doc/prem/200112u/int2001-12-18>. retrieved 2011/9/11, 21:25.

Abadie, Alberto (2004), "Freedom squelches terrorist violence", available at: <http://www.news.harvard.edu/gazette/2004/11.04/05-terror.html>. retrieved 2011/9/11, 21:30

Pape, Robert A (2005), *Dying to Win: The Strategic Logic of Suicide Terrorism*, New York: Random House.

Crenshaw, "Explaining Suicide Terrorism: A Review Essay".

Pedahzur & Perliger, Arie (2006), "Introduction: Characteristics of Suicide Attacks", In: Ami Pedahzur (ed.), *Root Causes of Suicide Terrorism: The Globalization of Martyrdom*, London and New York: Routledge.

Pedahzur, Ami (2005), *Suicide Terrorism*, Cambridge: Polity Press.

Hafez, Mohammed M (2006), "Suicide Terrorism in Iraq: A Preliminary Assessment of the Quantitative Data and Documentary Evidence", *Studies in Conflict and Terrorism*.

Hafez, Mohammed M (2006), *Manufacturing Human Bombs: The Making of Palestinian Suicide Bombers*, Washington, D.C.: United States Institute of Peace Press.

Negus, Stephen (2010), "Call for Sunni state in Iraq", available at: <http://www.ft.com/cms/s/e239159e-5c6a-11db-9e7e-0000779e2340.html>, Retrieved 2010-11-07.

Musaji, Sheila (2011), "Fatwas & Formal Statements by Muslim Scholars & Organizations", available at: http://www.theamericanmuslim.org/tam.php/features/articles/muslim_voices_against_extremism_and_terrorism_part_i_fatwas/.retrieved 2011/8/12, 22:30.

Kurzman, Charles (2011), "Islamic Statements Against Terrorism", available at: <http://kurzman.unc.edu/islamic-statements-against-terrorism/>. retrieved 2011/8/12, 22:40.

Weinberg, Leonard, "Suicide Terrorism for Secular Causes", in: Pedahzur, (ed.), *Root Causes of Suicide Terrorism: The Globalization of Martyrdom*.

Shay, Shaul (2004), *The Shahids: Islam and Suicide Attacks*, New Brunswick: Transaction Publishers.

Pedahzur, Ami (ed.), *Root Causes of Suicide Terrorism: The Globalization of Martyrdom*.

Victor, Barbara (2003), *Army of Roses: Inside the World of Palestinian Women*

SuicideBombers, Emmaus Pa.: Rodale, St. Martin's Press, available at: http://www.amazon.com/Army-Roses-Palestinian-Suicide-Bombers/dp/157954830X/ref=sr_1_cc_1?s=digital-text&ie=UTF8&qid=1320346826&sr=1-1-catcorr#reader_157954830X. retrieved 2011/9/13, 23:50.

Shay, Shaul, *The Shahids: Islam and Suicide Attacks*.

Pape, Robert. A, (August 2003), "The Strategic Logic of Suicide Terrorism", *American Political Science Review*, Vol. 97, No.3.

Pape, Robert. A. (August 2003) "The Strategic Logic of Suicide Terrorism", *American Political Science Review*, Vol. 97, No.3.

Pape, Robert A (23 July 2005), "Why the Bombers are so Angry at Us - Opinion", available at: <http://www.theage.com.au/news/opinion/why-the-bombers-are-so-angry-at-us/2005/07/22/1121539145036.html>. Retrieved 2010-05-19.

Crenshaw, Martha (January-March 2007), "Explaining Suicide Terrorism: A Review Essay", *Security Studies* 16, No. 1.

Lankford, Adam (September-October 2010), "Do Suicide Terrorists Exhibit Clinically Suicidal Risk Factors? A Review of Initial Evidence and Call for Future Research", *Aggression and Violent Behavior*, Vol.15, Issue.5, available at: <http://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S1359178910000388>. retrieved 2011/9/11, 20:50

Yadgari, Yusef (2011), "Disabled Often Carry Out Afghan Suicide Missions", available at: <http://www.npr.org/templates/story/story.php?storyId=15276485>, retrieved 2011,10,12.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی